

تبیین نقش و جایگاه نهاد حاکمیت در توسعه بیمه‌های زندگی

ابراهیم کاردگر

دکتری اقتصاد، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

kardgar49@yahoo.com

مهندی احراری

دکتری اقتصاد نفت و گاز

meahrari@yahoo.com

عبدالله نجار فیروزجانی

دکتری اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

Omid.najar@yahoo.com

اهمیت بیمه‌های زندگی در توسعه صنعت بیمه، رشد اقتصادی، تأمین مالی، توسعه انسانی و شاخص‌های رفاه از منظر پارادایم‌های مختلف اقتصادی از یک سو و مواجهه کشورهای توسعه‌یافته و نوظهور برای سیاست‌گذاری‌های تحول‌گرا از سوی دیگر، بر کسی پوشیده نیست. این مهم در تبیین وجوده قدرتمند و اثرگذار بیمه زندگی در رشد معنادار ضریب نفوذ بیمه در کشورهای پشرفته و نوظهور پیشان است که می‌تواند نقشه راهی برای تحقق یک تحول معنی‌دار در توسعه بیمه‌های زندگی در کشور ترسیم نماید. بررسی تجربه بازارهای نوظهور که موتور پیشان اقتصاد هستند و تبیین وجوده توسعه‌ای بیمه‌های زندگی که تگریش‌های جامع‌تگر، چندبعدی و توسعه‌گرا را برای یک تغییر معنی‌دار رقم خواهد زد، اساس تحقیق حاضر را شکل داده است. بر اساس نتایج تحقیق با اطمینان می‌توان گفت که بسترها و نهادهای زیرساختی توسعه‌ای برای یک تحول بنیادی در توسعه بیمه‌های زندگی که بیان رشد و گسترش صنعت بیمه است، فراهم آمده است. همچنین حلقه نهایی در این صنعت که این کنش جمعی را به سرانجام می‌رساند، تغییر تگریش نهاد حاکمیت به منظور ارائه سیاست‌ها و طرح‌های تحول‌گرا در حوزه بیمه‌های زندگی است.

واژگان کلیدی: بیمه‌های زندگی، بازارهای نوظهور، ضریب نفوذ بیمه، نهاد حاکمیت.

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر شاهد یک جریان پژوهش در تغییر نگرش‌های پیشین عمدتاً معطوف به وجوده نظارتی در اندازه‌های حداکثری صنعت بیمه بوده‌ایم که بی‌شک ناشی از تغییر نگرش متولی امر در حوزه سیاست‌گذاری صنعت بیمه کشور است و نگاه حداکثری و تک‌بعدی پیشین، امروز به نگرشی متکثراً و چندوچهی بدل شده است. ویژگی ارزشمند این تغییر نگرش به‌طور مشهودی در توجه به سیاست‌گذاری‌های معطوف به گسترش معنی‌دار چتر بیمه در سطح جامعه و سبد دارایی‌های خانواده متبادر شده و نتایج آن در تحلیل‌های کمی صنعت بیمه به‌خوبی قابل ارزیابی است. نکته مهم‌تر اینکه سهم عمدۀ این همت عالی به معنی‌دار کردن رشد و گسترش بیمه‌های زندگی به عنوان رکن اصلی و عمود خیمه صنعت بیمه است که تفکر حاکم به‌خوبی این شاهرگ اصلی را تقویت و پشتیبانی می‌نماید. حمایت از تشکیل شرکت‌های بیمه تخصصی، توسعه فرآگیر و تخصصی شبکه فروش موضوع آئین نامه ۵۴ و بهره‌مندی از ظرفیت‌های نهادهای قانونی برای حمایت همه‌جانبه از بیمه‌های زندگی، شواهد عملی از تغییر نگرش در بینان‌های فکری و عملیاتی حاکمیت جدید است. بر این اساس می‌توان یک چشم‌انداز تحول گرا که ابعاد تحول آن به‌مراتب فراتر از مقیاس‌های کمی روندهای گذشته و حال باشد را به‌طور معقول و منطقی انتظار داشت.

تحقیق حاضر در پی آن است تا با طرح برخی وجوده نظری در حوزه اقتصاد، توسعه و تحلیل برخی تغییرات معنی‌دار در رشد بیمه‌های زندگی در کشورهای نوظهور، اهمیت توسعه بیمه‌های زندگی در رشد ضریب نفوذ بیمه را تبیین کرده تا با توجه به ظرفیت‌های فکری، فنی و عملیاتی صنعت بیمه بتوان تحول درخور و قابل اعتنایی را رقم زد. در ادامه، اهمیت بیمه‌های زندگی از منظر گزارش‌های بین‌المللی در کشورهای نوظهور در بخش دوم، تبیین نظری وجوده توسعه‌ای بیمه‌های زندگی در بخش سوم و درنهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پایان‌بخش مقاله خواهد بود.

۲. اهمیت بیمه‌های زندگی

صنعت بیمه یکی از بخش‌های اصلی در حوزه نهادهای مالی و ضریب نفوذ آن یکی از شاخص‌های توسعه اقتصادی هر جامعه‌ای است. در این بین بیمه زندگی، علاوه بر دارا بودن وجوده توسعه مالی و اقتصادی، یکی از شاخص‌های توسعه رفاه نیز است.

بیمه عمر با توجه به ویژگی‌های خاص خود می‌تواند در فعال نمودن بازار سرمایه نقش اساسی ایفا نماید. ذخایر ریاضی تجمعی شده در شرکت‌های بیمه می‌تواند باعث فعالیت‌های اقتصادی سودآور گردد. تأثیر رشد بیمه‌های عمر در اقتصاد به حدی است که بسیاری از تحقیقات کاربردی به رابطه‌ای یک به یک بین آن و توسعه و رشد اقتصادی با ضرایب معنی‌داری بالا، دست یافته‌اند (مهندی کلیشمی، ۱۳۸۸).

بیمه زندگی بزرگ‌ترین بخش صنعت بیمه در دنیاست، زیرا از یک سو با هدایت سرمایه‌های کوچک خانوار به سوی ایجاد ظرفیت‌های اقتصادی و از سوی دیگر با رفع دغدغه‌های آتی نهاد خانواده به عنوان عرضه‌کننده نیروی کار، نقش انکارناپذیری در توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد (متولی و همکاران، ۱۳۹۰).

بر این اساس، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های متولیان صنعت بیمه در ایران، افزایش سهم بیمه زندگی در سبد خانوار و به تبع آن رشد سهم و ضریب نفوذ آن در کل پرتفوی بیمه و اقتصاد کشور است. بنابراین اهمیت توسعه بیمه زندگی از دو جنبه قابل تأمل و توجه است. اول، از بعد اقتصادی که در رشد شاخص مالی صنعت بیمه متجلی می‌گردد و دوم، از دیدگاه نهادی که در توسعه بازار بیمه، از طریق افزایش مشارکت بیمه‌گذاران و بیمه‌گران در بازار مبادله‌ای بیمه زندگی ناشی از رشد بهره مشترک^۱، تبلور می‌یابد. بنابراین بیمه زندگی را می‌توان از منظر یک پدیده انسانی مورد بررسی قرار داد که جنبه‌های متعددی از رفتارها، کنش‌ها، نهادها و سایر پارامترهای اثرگذار را در بر دارد که به طریق اولی، وجود شناختی آن باید مترتب بر نوعی جامعیت و روش‌شناسی متناسب با موضوع خاص خود ریشه‌یابی، تبیین، تحلیل و درنهایت ارائه راه حل گردد (کاردگر و احراری، ۱۳۹۳).

حضور پرنگ بیمه‌های زندگی برای بخش اقتصادی حائز اهمیت است. آنچه تجربیات کشورهای موفق و نوظهور در صنعت بیمه نشان داده حاکی از این است که بخش حقیقی اقتصاد از طریق بیمه‌های زندگی تأمین مالی می‌شود. KPMG^۲ اهمیت و اعتبار بیمه‌های زندگی برای اقتصاد کشورها را در موارد زیر خلاصه نموده است:

- از طریق توزیع ریسک به کاهش فقر در سطح جامعه کمک می‌کند.

1. Mutual Gain

2. KPMG شبکه‌ای جهانی از شرکت‌های حرفه‌ای که خدمات مالیاتی، حسابرسی و مشاوره‌ای ارائه می‌دهند.

- از آنجا که بیشتر محصولات ارائه شده توسط بیمه زندگی دارای یک مؤلفه پس‌انداز هستند، پس‌انداز بیشتری را توسط جمعیت ایجاد می‌کند.
- دسترسی به اعتبار را افزایش می‌دهد زیرا بیشتر ارائه‌دهنده‌گان اعتبار، زمانی که افراد به طور انفرادی پوشش بیمه عمر دارند شرایط اعتباری بهتری را پیشنهاد می‌دهند. به‌ویژه برای اعتبار بلندمدت به عنوان مثال وام‌های مسکن.
- می‌تواند به عنوان یک مکمل یا حتی جایگزین برای تأمین اجتماعی عمل کند و برنامه‌های مساعدت توسط دولت اداره شود (به عنوان مثال سود پرداخت شده بیمه عمر به خانواده متوفی که صاحب اصلی بیمه عمر است می‌تواند خانواده را بالاتر از آستانه فقر نگه دارد. بنابراین از نظر کاهش بار مسئولیت مالی با چنین برنامه‌هایی کمک می‌کند).
- مطالعات متنوعی در خصوص اهمیت بیمه‌های زندگی در رشد و توسعه اقتصادی صورت گرفته که شرح آن در مقالات متعددی ارائه شده که در این مقاله نیازی به طرح آنها نیست. لذا در این بخش به بررسی چند گزارش بین‌المللی در خصوص تغییرات رشد بیمه‌های زندگی در کشورهای نوظهور^۱ می‌پردازیم که می‌تواند بینهای نظری و عملی تحقیق حاضر را در توسعه فراگیر بیمه‌های زندگی تبیین نماید.

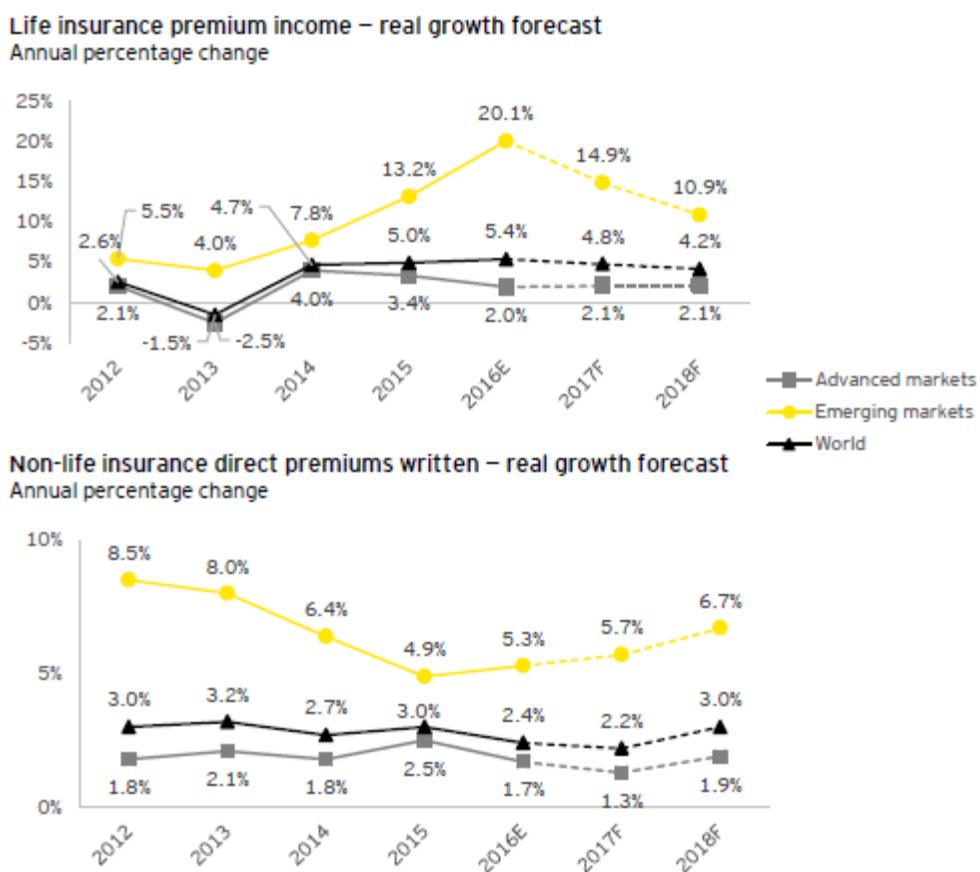
۱-۱. تحلیل چشم‌انداز رشد بیمه در جهان^۲

با توجه به این که عمدۀ تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های بنیادی و هدفمند در خصوص روندها و چشم‌انداز بیمه تا ۲۰۲۰ در گزارش ۲۰۱۶ PWC ارائه شده است بنابراین مبنای تحلیل‌های صورت گرفته در این مقاله مبتنی بر گزارش مذکور است. علاوه بر این از گزارش‌ها و آمارهای سالانه سیگما نیز برای تحلیل‌های تکمیلی استفاده شده است.

نکته اول این گزارش در خصوص چشم‌انداز رشد بیمه در جهان است که عنوان می‌دارد: تداوم رشد اندک صنعت بیمه در جهان به واسطه رشد قدرتمند بازارهای کشورهای نوظهور خواهد بود. همچنین در خصوص رشد بیمه‌های زندگی نیز به پشتیبانی بازارهای نوظهور در این حوزه تأکید می‌نماید.

1. Emerging Countries

2. Global insurance trends analysis 2016, An industry braving uncertain times May 2017, EY.



منبع: Global insurance trends analysis 2016, P.7

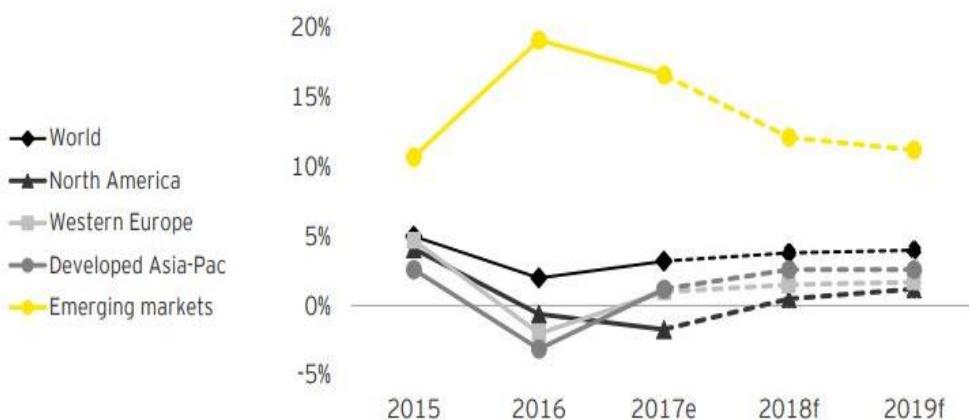
نمودار فوق بهوضوح رشد معنی دار ييمه های زندگی در بازارهای نو ظهور در مقایسه با بازارهای پیشرفته و رشد جهانی را نشان می دهد. همان طور که ملاحظه می شود، سرعت رشد در بازارهای نو ظهور طی چهار سال (۲۰۱۲-۲۰۱۶) حدود ۱۰ برابر شده است، در حالی که روند تغیرات در ييمه های غير زندگی رویه معکوس را در پیش گرفته است. بی شک این امر میین تغیرات معنادار در سياست گذاري و توجه به این بخش اصلی (ييمه زندگی) در رشد صنعت ييمه در کشورهای نو ظهور است. به عبارت بهتر مبتنی بر تجربه های موفق و پیشرو در کشورهای پیشرفته، توجه بنیادی و همه جانبی به رشد و توسعه ييمه های زندگی به عنوان مهم ترین و بزرگ ترین بخش صنعت ييمه، در صدر سياست گذاري های کلان اقتصادي کشورهای نو ظهور قرار گرفته و هم افزایی قابل توجهی را

نه تنها در رشد بخش بیمه در این کشورها، بلکه به عنوان حمایت‌کننده اصلی رشد جهانی بیمه ایجاد کرده‌اند.

روند پرشتاب رشد تا ۲۰۱۶ به حد اکثر خود رسیده و از آن به بعد کاهش رشد طبیعی و منطقی در سال‌های آتی پیش‌بینی می‌گردد.

چشم‌انداز متصور شده برای بیمه‌های عمر در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ حاکی از این بود که بازارهای نوظهور حاکم بر شرایط خواهند بود و نگاه به آینده برای کشورهای پیشرفته است. Global

life insurance GWP growth(2015-19)^۱

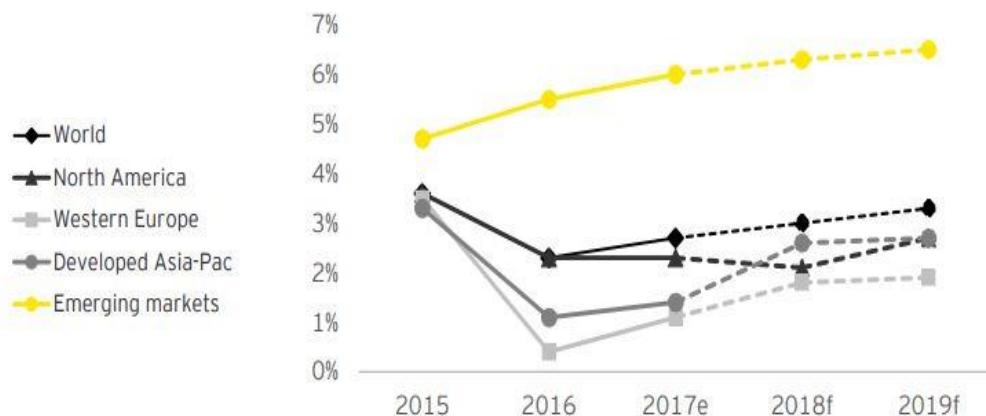


در واقع رشد بازارهای نوظهور با تداوم گسترش بازار بیمه عمر چین محقق می‌شود. با این حال، این انتظار وجود داشته که رشد در چین در سال ۲۰۱۸-۱۹ در برابر افزایش شدید در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به دلیل تغییرات نظارتی و ابتکارهای بهبود کیفیت فروش، تعدیل شود.

در میان بازارهای نوظهور، رشد مجدد احتمالی در آمریکای لاتین، اروپای مرکزی و شرقی و آفریقا به همراه رشد پایدار در هند از دیگر نیروهای محرک خواهد بود. از سوی دیگر، افزایش فشارهای تورمی در سطح جهان، می‌تواند بر تقاضا تأثیر منفی داشته و به افزایش هزینه و تهدید اساسی برای رشد و سودآوری منجر شود.

1. The gross world product (GWP) is the combined gross national product of all the countries in the world. Because imports and exports balance exactly when considering the whole world, this also equals the total global gross domestic product (GDP).

Global non-life insurance GWP growth (2015 - 2019)



Source: Swiss Re

پيش ييني شده است که رشد واقعی در بازارهای پيشرفته با افزایش سرخ تورم در میان پيشرفتهای جزئی در شرایط کلان، تک رقمی پایدار باقی بماند.

انتظار می‌رود تصمیمات سیاست گذاری در بازارهای نوظهور به عنوان محرك اصلی رشد بیمه غیرزندگی ظاهر شود. ارتقای بیمه اجباری اتومبیل در منطقه خلیج فارس و بیمه محصولات زراعی در بازار هند در سال‌های اخیر نمونه‌های کلیدی است. پيش ييني می‌شود احیای اقتصاد کلان در آمریکای لاتین و آفریقا از رشد کلی بازار نوظهور حمایت کند!

همچنین در نمودار فوق، شاهد پيش ييني رشد بیمه‌های غیرزندگی به تبع رشد بیمه‌های زندگی در بازارهای نوظهور هستیم که در زمان تعديل بیمه زندگی در این بازارها رخ داده و رشد صنعت را به همراه خواهد داشت، از این‌رو دور از واقعیت نیست که از بیمه‌های زندگی با عنوان موتور پیشران صنعت بیمه یاد کنیم.

۱-۱-۲. کشورهای نوظهور آسیایی^۲

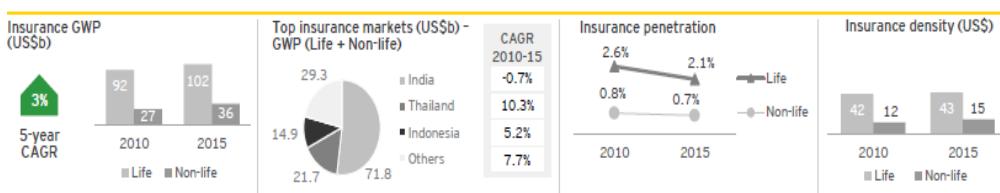
گزارش PWC به بررسی کامل بازارهای نوظهور در مناطق مختلف به شرح زیر پرداخته است.

1. Sigma, No. 3. 2019

2. به استثنای چین، ژاپن و کشورهای پيشرفته آسیایی همچون: سنگاپور، هنگ‌کنگ، تایوان و کره جنوبی.



در خصوص کشورهای نوظهور آسیایی بر این نکته تأکید دارد که: یک منطقه با رشد بالا که نیاز به پذیرش تغییرات در جهت حفظ و تداوم حرکت (رو به رشد) خود دارد.



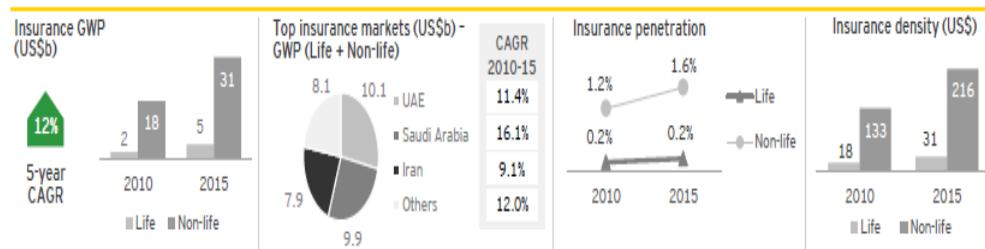
منبع: P.25 Global insurance trends analysis 2016,

مالحظه می‌گردد که تفاوت سهم بیمه‌های زندگی و غیرزنندگی در کشورهای نوظهور آسیایی به بیش از سه برابر می‌رسد که نشان از اهمیت بنیانی بیمه‌های زندگی دارد. بیشترین سهم از آن هند با حدود ۷۲ درصد و به ترتیب پس از آن تایلند (۲۲ درصد) و اندونزی (۱۵ درصد) است.

ضریب نفوذ بیمه‌های زندگی طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۵ به نسبت بیمه‌های غیرزنندگی کاهش بیشتری را نشان می‌دهد که می‌تواند به علت حجم گسترده و فراگیر بیمه‌های زندگی در سال‌های اولیه اعمال سیاست‌های رشد و توسعه آن در این کشورها باشد.

خاورمیانه^۱: رشد معنی‌دار بیمه با تصمیم‌گیری‌های سیاستی (سیاست گذاری) ممکن خواهد بود و رشد بزرگ‌تر در آینده در گرو نوآوری در محصول و آگاهی مشتریان خواهد بود. این عنوان مربوط به بخش خاورمیانه گزارش فوق است.

۱. به استثنای ترکیه و رژیم اشغالگر قدس.



ملاحظه می‌گردد که نمودارهای فوق تفاوت سهم بیمه‌های زندگی و غیرزنگی در کشورهای خاورمیانه به بیش از ۹ برابر در ۲۰۱۰ و ۶ برابر در ۲۰۱۵ را نشان می‌دهد که گرچه این شکاف تا حد قابل توجهی ترمیم شده ولی با توجه به اینکه طی این سال‌ها بیمه‌های زندگی ۲/۵ برابر و بیمه‌های غیرزنگی ۱/۷ رشد یافته، به نظر می‌رسد سیاست‌های حمایتی نهاد حاکمیت برای توسعه فرآگیر بیمه‌های زندگی، به عنوان اولویت رشد بیمه در این کشورها لازم است. عمدت سهم بازار بیمه منطقه مذکور در اختیار ۳ کشور امارات و عربستان (۱۰ درصد) و ایران (۸ درصد) است. در حالی که ضریب نفوذ بیمه‌های زندگی طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۵ بدون تغییر بوده در مقابل بیمه‌های غیرزنگی رشد مثبتی داشته‌اند. دلیل اصلی پائین بودن سهم بیمه‌های زندگی در این منطقه به نگرش‌های دینی به این نوع بیمه برمی‌گردد. از طرفی شاید بتوان سهم و ضریب نفوذ بالای بیمه‌های غیرزنگی را در کشورهای خاورمیانه عمدتاً به سهم بالای بیمه‌های نفت و گاز در این مناطق اختصاص نسبت داد.

۲-۲. چشم‌انداز بازار بیمه^۱

در عنوان گزارش آمده است که: کشورهای نوظهور آسیا همچنان محور و رکن اصلی رشد حق بیمه جهانی محسوب می‌شوند.^۲

1. Insurance Market Outlook, Munich Re Economic Research, May 2016.

2. Emerging countries in Asia still linchpin of global premium growth. (linchpin meaning: A person or thing vital to an enterprise or organization.)

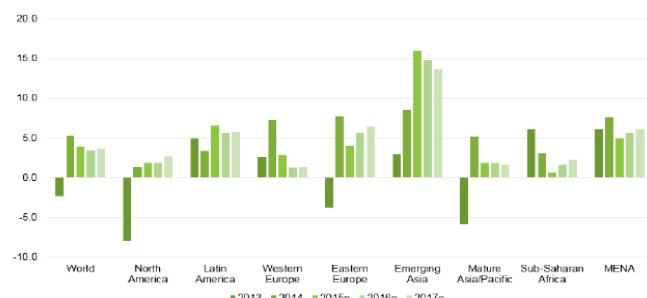


May 2016
Insurance Market Outlook
Page 4/5

Low interest rates damping premium growth in industrialised countries, emerging countries still with a lot of ground to make up

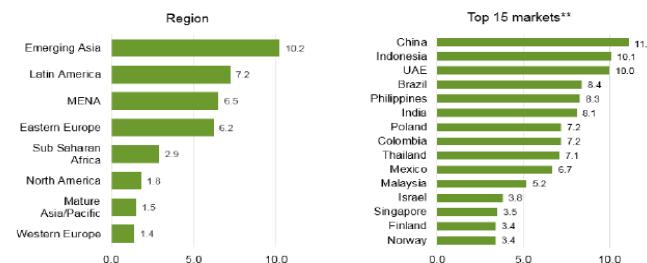
3.2 Life insurance

Real growth in life primary insurance premiums by region (%)



Growth in life premiums: real CAGR* 2016–2025 (%)

In addition to Asian emerging countries, long-term growth in life insurance particularly strong in Latin American markets despite economic crises in Brazil and Venezuela

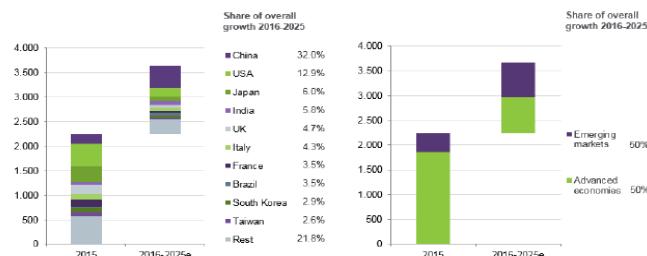


* CAGR = Compound Annual Growth Rate

** Top 15 of the 40 largest markets by Life premium volume

Premium growth in life primary insurance up to 2015 (€bn)

Emerging countries and industrialised countries neck and neck in share of overall growth in life insurance premiums up to 2025



ملاحظه می‌گردد که بالاترین رشد حقیقی در حق بیمه اولیه بیمه‌های زندگی مربوط به کشورهای نوظهور آسیایی و پس از آن کشورهای منطقه‌منا، اروپای شرقی و آمریکای لاتین می‌باشند که بخشی از کشورهای آن‌ها در زمرة نوظهورها قرار می‌گیرند. این مسئله بیان گر نکته مهمی است که توجه جدی در کشورهای نوظهور معطوف به رشد و گسترش کمی بیمه‌های عمر در کل جامعه است.

در خصوص نرخ رشد حق بیمه‌ها نیز کشورهای نوظهور مناطق آسیا، آمریکای لاتین، منا و اروپای شرقی پیشتازند و در بین کشورها نیز به استثنای امارات، کشورهای نوظهور تراز اول که دارای شاخص‌های اقتصادی و جمعیتی بالایی هستند قرار دارند. با این وجود کشورهای پیشرفته در سهم کلی از رشد حق بیمه تا ۲۰۱۵ به صورت برابر با کشورهای نوظهور رقابت می‌کنند.

۱۲۰۶. تحولات صنعت بیمه در سال ۲۰۱۶

عنوان گزارش عبارت است از: موتور رشد (اقتصادی) چین با سرعت به پیش می‌رود.^۱ ملاحظه می‌گردد که تم و محور اصلی تمامی گزارش‌های تحلیلی حوزه بیمه و از جمله مهم‌ترین آن‌ها (سیگما)، حول رشد پیشان نوظهورها و در رأس آن چین می‌گردد. مباحث متعددی در این گزارش مطرح شده که تنها بخشی از آن با محوریت بیمه‌های زندگی و نوظهورها به شرح زیر ارائه می‌گردد:

تفاوت معنی‌دار رشد حق بیمه زندگی در کشورهای نوظهور و پیشرفته

	Life	Non-life	Total
Advanced markets	-0.5%	2.3%	0.7%
Emerging markets	17%	9.6%	14%
World	2.5%	3.7%	3.1%

در حالی که حق بیمه در بازارهای پیشرفته با پنج درصد کاهش مواجه شده، نوظهورها به رهبری چین به سرعت در حال رشد بودند. رشد حق بیمه جهان توسط نوظهورها پشتیبانی و تقویت می‌شود.

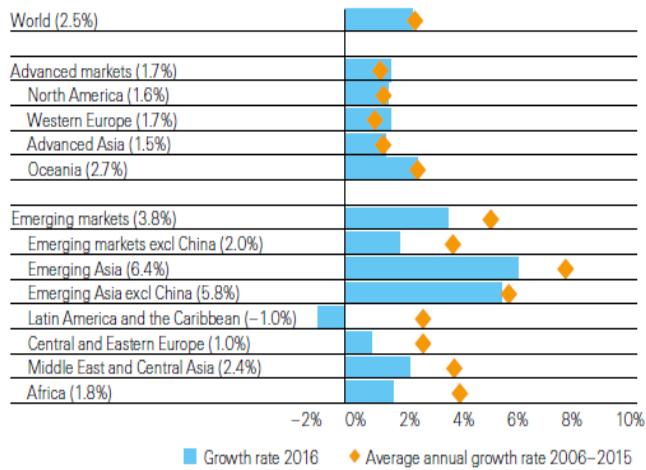
انتظار می‌رود رشد حق بیمه زندگی در طول چند سال آینده، عمدهاً به دلیل بازارهای نوظهور به رهبری چین صورت گیرد.

1. Swiss Re, Sigma No 3/2017.

2. The China growth engine steams ahead.

Figure 2

Real GDP growth by region
(2016 readings in brackets)



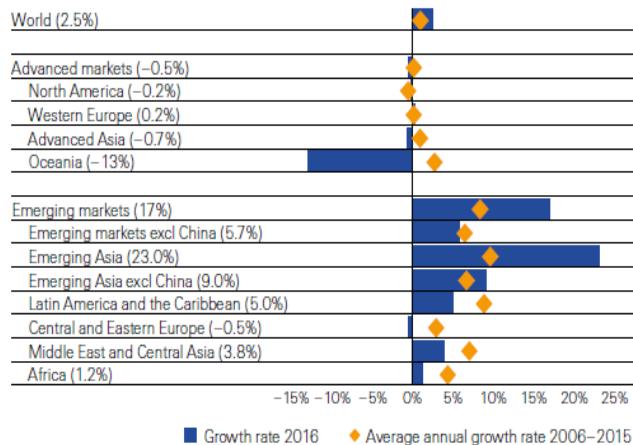
Note: countries' GDP weighted with market exchange rates.

Source: Oxford Economics, IHS-Markit, WIW, Swiss Re Institute.

حق بیمه در بازارهای نوظهور در سال ۲۰۱۶، ۱۷ درصد رشد داشته که بیش از دو برابر میانگین بلندمدت است. یک بار دیگر، کشورهای نوظهور آسیایی رشد قابل توجهی داشتند که به واسطه رشد سریع چین که در آن محصولات زندگی سنتی^۱ عامل اصلی بودند محقق گردید. منافع حاصل از رشد فروش به واسطه آزادسازی بیشتر نرخ‌های بهره و تلاش‌های دولت برای تشویق رشد تولیدات حمایتی افزایش یافت. گرچه رشد در بازارهای نوظهور به غیر از چین، به طور قابل توجهی پایین‌تر بود، اما رشد ۵/۷ درصد به دست آمده توسط هند، اندونزی و ویتنام نویدبخش بود.

1. Traditional life products.

Figure 7
Life premium growth in real terms,
in the advanced and emerging markets
(2016 readings in brackets)



Source: Swiss Re Institute.

نرخ رشد حق بيمه های زندگی در بازارهای نوظهور با تأکید بر رشد قدرتمند چین، سرعت می یابد.

Figure 9
Contribution to real life premium growth
by region, 2016



Source: Swiss Re Institute.

شکاف منطقه ای رشد حق بيمه زندگی، اهمیت چین را به عنوان موتور رشد جهانی متبلور می کند (نگاه کنید به شکل ۹). در سال ۲۰۱۶، چین ۲/۴ درصد از رشد ۲/۵ درصدی جهان را به خود اختصاص داده است. به این معنی که سایر بازارهای دیگر با هم معادل با ۰.۱ ppt باقی مانده بودند. در حالی که کشورهای نوظهور آسیایی بدون چین ۰.۴، اروپای غربی تنها ۰.۰۵، آفریقا، خاورمیانه و آسیای مرکزی، هر کدام ۰.۰۲ ppt به رشد جهانی اضافه کردند، عملکرد ضعیف اقیانوسیه، آسیای پیشرفته و آمریکای شمالی، رشد جهانی را به ترتیب ۰.۲۴، ۰.۱۷ و ۰.۰۶ ppt کاهش دادند.

برخی پیش‌بینی‌ها حاکمی از آن است که در سال ۲۰۲۰ میلادی، رشد اقتصادی جهان پس از یک دوره ثبات به رشد کند ۲۸ درصد بررسد. چین در سال ۲۰۱۷ بیشترین رشد را در جهان داشته است و بر اساس پیش‌بینی‌های فوق، علی‌رغم کاهش تدریجی در روند رشد، همچنان با یک‌سوم رشد جهانی تا ۶.۱ درصد در سال ۲۰۲۰ ادامه خواهد داد.^۱



همان‌طور که نمودار فوق نشان می‌دهد در مراحل اولیه توسعه صنعت بیمه هم در کشورهای پیشرفته و هم در بازارهای نوظهور (و در حال توسعه)، بیمه‌های زندگی در سطحی بالاتر از بیمه‌های غیرزندگی قرار دارد.

۲-۴. سطح توسعه یافته‌ی بیمه در چین^۲

این بخش بر اساس مقاله ژو و ژانگ (۲۰۰۵) به بررسی عوامل تعیین‌کننده توسعه صنعت بیمه در چین تحت سلطه جهانی‌سازی که از زمان اجباری کردن سیاست‌های open-up دستخوش تحولات سریعی شده است، می‌پردازد. در این پژوهش که بر ۲۲۵ شهر در چین انجام شده عوامل تعیین‌کننده توسعه بیمه چین بر اساس حجم حق بیمه و ضریب نفوذ بررسی شده و نتایج اقتصادسنجی نشان داده است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای بیمه‌های اموال مهم‌تر از بیمه زندگی است. سرانه تولید

1. Sigma, No.3.2019

2. Determinants of the Development of Insurance in China under the Globalization

نالخص داخلی، تنها متغیر مهم قابل توجه برای همه ابعاد زندگی است در حالی که جمعیت کل، سپرده ذخیره شده، دستیابی به تحصیلات، سرانه مالکیت تلفن، هزینه‌های رفاه اجتماعی و وابستگی جوانان در میزان حق بیمه زندگی مهم است. متغیرهایی مانند سطح دستمزد، سپرده‌های پس انداز، سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت، تأثیر قابل توجهی در تقاضای بیمه و افزایش دارایی‌های بیمه دارد. علاوه بر این در تحقیق فوق تفاوت‌های منطقه‌ای در چین نشان داده شده است.

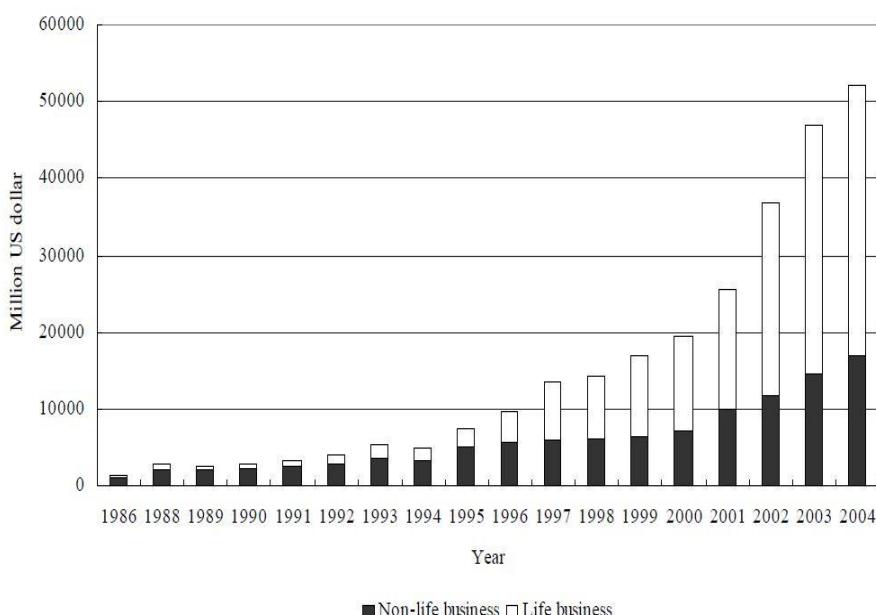
بدون شک در سال‌های اخیر، صنعت بیمه در چین به طور فزاینده‌ای اهمیت یافته است. طبق آمار سیگما (۲۰۰۵)، درآمد حق بیمه چین، ۵۲.۱۷ میلیون دلار معادل با ۳.۲۶ درصد تولید نالخص داخلی این کشور در سال ۲۰۰۴ بوده که در مقایسه با سال ۱۹۸۶، ۱.۳۷ میلیون دلار (۰.۷ درصد تولید نالخص داخلی)، قریب ۳۵.۴۱ میلیون دلار افزایش یافته است. پیشرفت‌های قابل توجهی که صنعت بیمه چین در سال‌های اخیر داشته و پیش‌بینی پتانسیل فوق العاده‌ای که برای آینده دارد، باعث شده که توجه صاحب‌نظران دانشگاهی دنیا معطوف به رشد قابل توجه صنعت بیمه چین شود. پرسش‌های مطرح شده از قبیل اینکه چه عواملی رشد پایدار چین را پشتیبانی می‌کند؟ و آیا عوامل مهم اثبات شده در کشورهای دیگر نیز همانند چین اثرگذار است؟ در مقایسه با ادبیات تجربی نسبتاً وسیع سایر کشورها به‌ویژه کشورهای صنعتی، ادبیات تجربی در خصوص چین اندک است.

تأسیس شرکت بیمه مردم در چین (PICC)^۱ در اکتبر ۱۹۴۹ آغاز صنعت بیمه در جمهوری خلق چین است. با این حال تجارت داخلی PICC که تنها ارائه‌دهنده بیمه در آن زمان بود به علت محدودیت مالکیت خصوصی و برنامه‌های جامع تأمین اجتماعی در دوره ۱۹۵۹-۱۹۷۹ به حالت تعليق درآمد انحصار PICC تا پایه‌گذاری بیمه‌گر دوم که شرکت بیمه گروه Xinjiang در سال ۱۹۸۶ بود ادامه داشت. در سال ۱۹۹۲ گروه بین‌المللی آمریکایی (AIG)^۲ مجوز صدور بیمه‌نامه در شانگهای را کسب نمود که نشان می‌داد درهای بیمه چین به روی بیمه جهانی باز شد. ارائه‌دهنده‌گان بیشتری مثل شرکت‌های محلی، شرکت‌های کاملاً متعلق به شرکت‌های خارجی، شرکت‌های بیمه مشارکتی، فعالیت را در چین به‌ویژه از زمان پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱ شروع کردند. در مجموع ۶۱ شرکت بیمه تا پایان سال ۲۰۰۳ در بازار بیمه چین فعالیت می‌کردند.

1. People's Insurance Company of China (PICC)

2. American International Group (AIG)

توسعه صنعت بیمه در چین از منظر آمار و گزارش‌های تحلیلی، نگاه عمیق‌تر و جامع‌تری را نسبت به این تحول قابل توجه به ما خواهد که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.



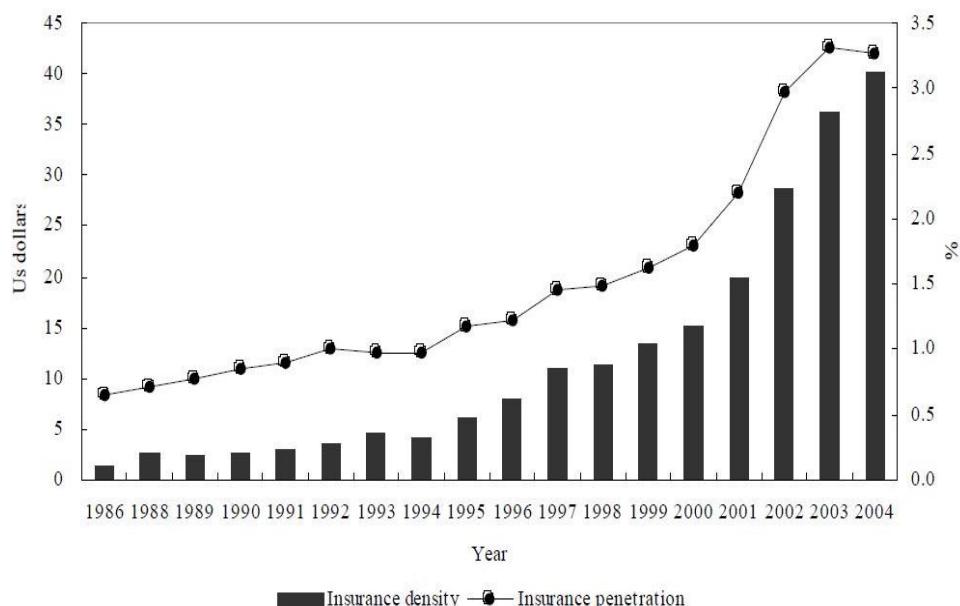
Source: Swiss Reinsurance Company, Sigma.

ملاحظه می‌گردد که شکاف بین حق بیمه زندگی با بیمه‌های غیرزنده‌گی به طور معنی‌داری در حال افزایش است. این به دلیل اهمیت بیمه‌های زندگی در فرآیند توسعه صنعت بیمه در کشورهای پیشرفته و نوظهور است. بدیهی است پس از حداکثر رشد و رسیدن به حد اعلای توسعه‌یافتنگی، روند رشد کاهش یافته و در مسیر رشد بلندمدت خود قرار خواهد گرفت.

رشد بیمه زندگی در چین قوی‌اما کندر از روند اخیر انتظار می‌رود. حق بیمه زندگی در سال ۲۰۱۸ با ۵.۴ درصد نسبت به ۱۴ درصد ده سال گذشته است. فروش بیمه‌نامه‌های کوتاه‌مدت زندگی، به دلیل نظارت تنظیمی کاهش یافت. این سختگیری، هدف حاکمیت برای سوق دادن بازار به سمت محصولات حمایتی و مدیریت بهتر ریسک‌های مالی مرتبط با مدیریت دارایی را منعکس می‌کند.

در سال ۲۰۰۴ شرکت‌های بیمه زندگی، ۷۷.۵۹ درصد از کل حق بیمه در بازار چین را به خود اختصاص دادند. با گسترش روزافزون و توسعه‌ای صنعت بیمه در چین، مشارکت شرکت‌های بیمه خارجی نیز به طور قابل توجهی رو به گسترش است.

ارزیابی تراکم و نفوذ بیمه



Source: Swiss Reinsurance Company, Sigma.

توسعه خیره کننده بیمه چین در دوره ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۴ از نظر حق بیمه، تراکم بیمه و نفوذ بیمه و نیز وضعیت بیمه چین در مقیاس جهانی، از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتنگی این کشور در حوزه‌های رفاه و توسعه انسانی نیز ارزیابی می‌گردد.

در فاصله سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۳۰ چین با رشد ۲۴۴ درصدی حق بیمه تولیدی، بیشترین رشد حق بیمه را تجربه خواهد کرد. درنتیجه تحولات فوق الذکر، حق بیمه تولیدی در کل دنیا نزدیک به دو برابر خواهد شد. این امر عمدتاً از رشد اقتصادی و بازار بیمه چین، آمریکای شمالی، اروپای غربی و آسیای خاوری و اقیانوسیه حاصل شده و نقش سایر مناطق در گسترش بازار بیمه اندک است.



Source: Hsbc Financial Group

در پایان سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا بیمه زندگی در چین به عنوان موتور پیشران صنعت بیمه، به طور معناداری توسعه داده است؟ در پاسخ می‌توان گفت از آنجا که چین موتور پیشران رشد اقتصادی دنیاست و برای کمک به توسعه بخش حقیقی اقتصاد که هدف اول چین بوده، تأمین مالی، رکن اصلی و حیاتی آن است، بنابراین بخش عمده‌ای از این تأمین مالی بزرگ می‌باشد از کanal بیمه زندگی صورت می‌گرفت.

۵-۲. جمع‌بندی گزارش‌های تحلیلی

در یکی از گزارش‌های معتبر بین‌المللی^۱ که مبنای سیاست‌گذاری در کشورهای مختلف به ویژه نوظهورها قرار گرفته اشاره دارد که:

- ایران در حال اضافه شدن به جمع بازارهای نوظهور بزرگ است.^۲
- در ۲۰۳۰ بر اساس شاخص تولید ناخالص داخلی بر مبنای برابری قدرت خرید^۳، ایران رتبه ۱۶ را خواهد داشت که بالاتر از اسپانیا، کانادا، استرالیا و هلند قرار می‌گیرد (table 2, p.23)
- ایران با ۲/۵ درصد رشد درآمد سرانه واقعی، ۲/۶ درصد رشد ناشی از نرخ‌های مبادله‌ای بازار و ۵/۵ درصد رشد تولید ناخالص داخلی، در جمع ۱۱ کشور اول دنیا که همگی کشورهای نوظهور هستند و بالاتر از کشورهای پیشرفته قرار خواهد گرفت (table B2, p.69)

1. The Long View, How will the global economic order change by 2050? PWC, February 2017.

2. Bangladesh, Colombia, Egypt, Iran, Nigeria, Pakistan, the Philippines, Thailand, and Vietnam as additional relatively large emerging markets, P. 12.

3. GDP at PPP (Purchasing Power Parity).

ملاحظه می گردد ايران که در يك مسیر رشد بلندمدت قرار گرفته، وارد باشگاه نوظهورها شده و لاجرم باید الزامات و شرایط خاص حضور در این سطح را برای تداوم رشد بلندمدت ايجاد و نهادينه نماید.

اما نکته مهمی که می توان در جمع بندی اين بخش به آن اشاره کرد اين است که اهمیت کشورهای نوظهور در تداوم و پشتیبانی از رشد بيمه در جهان به عنوان امری انکارناپذير و قطعی پذيرفته شده است و عمدۀ گزارش‌های مطروحه، مبنای تحلیل‌های خود را به بازارهای نوظهور اختصاص داده‌اند.

بنابراین می توان از مجموع تحلیل‌های مورد اشاره نتایج به شرح زیر را ارائه نمود:

۱. نوظهورها آینده اقتصادی دنيا را در سيطره خود قرار خواهند داد و اساساً رشد آتي جهان وابستگی شدیدی به آن‌ها دارد.
۲. بازارهای نوظهور متضمن تداوم رشد بلندمدت بيمه می باشند.
۳. توجه و حمایت جدی بازارهای نوظهور قدرتمند که بخش عمدۀ رشد بيمه را پشتیبانی می کنند، معطوف به توسعه بيمه های زندگی به عنوان رکن اصلی و موتور محركه صنعت بيمه، در سطح داخل، بازارهای منطقه‌ای و جهانی است.
۴. ايران که پا به عرصه بازارهای نوظهور گذاشته، ناگزير به رشد و توسعه فراگير بيمه های زندگی به عنوان يكی از الزامات حضور قدرتمند و پايدار در جريان اصلی اقتصاد آينده جهان که متعلق به نوظهورها است، خواهد بود.
۵. پيشرفت معنادار صنعت بيمه چين به عنوان کشوری که محرك و لوکوموتيو رشد اقتصاد و صنعت بيمه دنيا است، بر مبنای توسعه فراگير و قدرتمند بيمه های زندگی شتاب گرفته که خود گواه متقني برای توجه جدی و راهبردي به سياست گذاري و برنامه‌ريزي عملياتي برای گسترش همه‌جانبه بيمه های زندگی به منظور رشد ضریب نفوذ بيمه در کشور است.

۳. تبيين نظری وجوه توسعه‌ای بيمه زندگی

رويکردهای توسعه‌ای به پدیده‌های مختلف، ابعاد متنوعی از وجوه و ظرفیت‌های بالقوه پدیده مورد بررسی را به فعلیت رسانده و علاوه بر کنش‌های معمول در تعاملات اقتصادی، مبادلات متأثر در سایر حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را تبيين و نهادينه می نماید. به عبارت بهتر، بر خلاف رویه‌های مرسوم که توجه اصلی اش به کنش‌های اقتصادی معطوف به مکانيسم بازار و نگاه حداقلی

به سایر ابعاد محیطی و پیرامونی است، نگرش توسعه‌ای، ابعاد متکثری از فرآیندها و مبادلات را در گستره کنش‌های جمعی و نهادهای مربوطه مورد توجه و بازطرابی قرار می‌دهد. بر این اساس تقابل نظری در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های راهبردی در کشورهای در حال توسعه، بر پذیرش و تسلط یکی از این دو جریان فکری (طرفداران رویه‌های مرسوم و پارادایم جریان اصلی و اندیشمندان توسعه) متمرکز است که البته در کشور ما اغلب جریان اول غالب و مسلط بوده است.

تحقیق حاضر به دنبال نقد و اثبات تفکرات مطروحه نیست و سعی دارد با طرح موضوعات مفید و مؤثر از هر دو جریان برای رشد و گسترش بیمه‌های زندگی در کشورمان، به یک نگرش توسعه‌دهنده در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری راهبردی نهاد حاکمیت دست یابیم. بنابراین در این بخش برخی از وجوده توسعه‌ای بیمه‌های زندگی را به اختصار مورد اشاره قرار می‌دهیم.

۱-۳. توسعه انسانی

اثرات اقتصادی توسعه بیمه‌های زندگی در سبد خانوارها، منحصر به رویه‌های روتین کلاسیک در الگوهای نظری، مربوط به جریان سرمایه‌گذاری و تولید ناخالص ملی نیست، بلکه از مسیرهای دیگری که به طور مستقیم و غیرمستقیم دارای اثرات به مراتب فراینده‌تری است، تولید ملی را افزایش می‌دهد. نکته اصلی این است که توجه به ابعاد توسعه انسانی در پدیده‌های اقتصادی به طور عام و بیمه‌های زندگی به طور خاص، نه تنها تبیین کننده علل و عوامل توسعه آن در جامعه است بلکه می‌تواند راه حل‌های ریشه‌ای و مبنی بر واقعیتی را برای رفع موانع موجود نیز ارائه کند.

در نگرش توسعه‌ای شاخص‌هایی معرفی می‌گردند که در برگیرنده ابعاد انسانی و تبیین کننده تأثیر آن‌ها بر رشد اقتصادی است. شاخص‌هایی مانند؛ دموکراسی، امنیت، توسعه انسانی، خوشبینی، کیفیت زندگی و... نشان‌دهنده نوعی نگاه جامع و فراگیر از تغییرات فرآیندی توسعه، ناشی از تحولات پارامترهای انسانی و فراتر از متغیرهای اقتصاد کلان است. بر اساس شاخص توسعه انسانی و نیز سایر شاخص‌های توسعه‌ای دیگری که به طور مستقیم و غیرمستقیم، آثار تبلور نیروی درونی انسانی را در فرآیندهای توسعه به طور عام و توسعه اقتصادی، به طور خاص، مورد توجه قرار می‌دهند، انسان، محرك اصلی و هدف غایی آن خواهد بود. تغییر در نگرش‌های ذهنی و باورهای انسان، منشأ چنان تغییرات شگرفی است که در ادبیات توسعه اقتصادی از آن با عنایتی همچون؛

خلاقیت، نوآوری، کارآفرینی و ... یاد می‌شود که حتی در الگوهای کلان رشد اقتصادی، در پارادایم اقتصاد نئوکلاسیک، به عنوان متغیرهای بروزنزای الگو، ذیل متغیرهای بهره‌وری و تکنولوژی، عامل اصلی رشد و جهش‌های اقتصادی، الگوسازی و پیش‌بینی می‌شود. بنابراین پر واضح است که سرمایه انسانی در نگرش توسعه‌ای، بسیار فراتر از سرمایه‌گذاری و پسانداز فیزیکی در الگوهای اقتصاد مرسوم، بر تولید ملی اثرگذار خواهد بود و علاوه بر آن ابعاد اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و سیاسی را نیز در چارچوب تحلیل‌های نهادی، متأثر خواهد نمود. حال با این دیدگاه جامع‌نگر، می‌توان نقش بیمه‌های زندگی را بر تولید ملی، پررنگ‌تر و راهبردی‌تر، ارزیابی کرد.

کاردگر و احراری (۱۳۹۳)، به این نتیجه رسیدند که علیت غیرخطی بین شاخص توسعه انسانی و سرانه بیمه زندگی، دو طرفه است که این خود بیانگر اثرات توسعه‌ای بیمه زندگی است چراکه وجود تأثیرات متقابل بیمه زندگی و شاخص توسعه انسانی، در قالب روابط علی، نگرش‌های توسعه‌ای را تأیید می‌نماید. می‌توان این گونه تحلیل کرد که تقویت بنیان‌های گسترش بیمه‌های زندگی، در مراحل تکاملی توسعه اقتصادی، آثار متفاوتی را به دنبال خواهد داشت. بدیهی است در کشور ایران که سیاست‌های توسعه بیمه زندگی مراحل ابتدایی رشد خود را شروع کرده، اثرات توسعه انسانی آن به مراتب تبلور بیشتری را به دنبال خواهد داشت.

۲-۳. سرمایه اجتماعی

زیری، متولی و احراری (۱۳۹۵)، با بررسی آثار توسعه‌ای بیمه‌های زندگی بر انسجام اجتماعی یادآور می‌شوند که گسترش بیمه‌های زندگی علاوه بر آثار مستقیمی که بر رشد و توسعه اقتصادی جوامع دارد، با کاهش فقر و نابرابری و افزایش امنیت اجتماعی و درنتیجه افزایش نظم و انسجام اجتماعی به‌طور غیرمستقیم نیز نقش مهمی در مسیر دست‌یابی به توسعه اقتصادی ایفا می‌کند. چراکه نظم و انسجام اجتماعی در هر جامعه‌ای موجب کاهش ریسک، کاهش ناطمنانی، افزایش اعتماد، گسترش ارتباطات و تعاملات بین بنگاه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی و همچنین افزایش امنیت دارایی‌های فیزیکی و ذهنی افراد می‌شود و در نتیجه اولین شالوده و پایگاه برای فعالیت‌های مولد و نوآوری‌هایی می‌شود که به جای حرکت در مسیر جریان عادی، موجب جهش‌های اقتصادی

می‌گردد. لذا، توجه به بیمه‌های زندگی نه تنها تبیین کننده علل و عوامل توسعه آن در جامعه است بلکه می‌تواند راه حل‌های ریشه‌ای و مبتنی بر واقعیتی را برای رفع موانع موجود نیز ارائه کند.

۳-۳. توسعه ظرفیت

فرآیندهای توسعه از طریق ایجاد و گسترش ظرفیت‌های موجود در هر جامعه‌ای صورت می‌گیرد که مهم‌ترین و اصلی‌ترین آن توسعه ظرفیت حداکثری نیروی انسانی است که محور تمامی برنامه‌های توسعه است.

از طرف دیگر نیروی انسانی، یک فرآیند تکاملی را از یک عامل فیزیکی تولید تا سرمایه انسانی در تحلیل‌های رشد اقتصادی مبتنی بر مدل‌های اقتصاد مرسوم طی کرد تا الگوهای رشد مطلوب برای پیشرفت کشورها احصا شده و به مورد اجرا درآید. با این حال این مدل‌ها قادر نبودند تفاوت میان رشد اقتصادی کشورها را به خوبی تشریح نمایند و راز تغییرات و تفاوت توسعه یافته‌گی جوامع از این طریق امکان‌پذیر نشد.

یک نکته در مورد تفاوت رشد و توسعه ضروری است. میر در تعریف توسعه آن را رشد همراه با تغییرات فنی، ارزشی و نهادی معرفی می‌کند و لذا تأکید بر تغییرات نهادی به منظور دستیابی به رشد اقتصادی عملاً پدیدآورنده توسعه در کشورهاست.

روند تکامل در نظریه‌های رشد باعث شده است که اکنون تمرکز توجهات بر روی نهادها باشد و حتی اندیشمندانی نیز که برای تبیین تفاوت میان رشد اقتصادی کشورها به موضوعاتی مانند مالیات، تکنولوژی و سرمایه انسانی توجه می‌کنند، باید به این نکته دقت نمایند که تفاوت میان این عوامل در کشورها به دلیل تفاوت در نهادهاست (طیب نیا و نیکونسبتی، ۱۳۹۲).

آسم اوغلو و رابینسون (۲۰۱۰)، معتقد هستند نهادهای اقتصادی برای رشد اقتصادی مهم هستند، زیرا انگیزه کنشگران اصلی اقتصادی را شکل می‌دهند و در واقع آن‌ها به طور ویژه بر سرمایه‌گذاری در منابع فیزیکی، انسانی، تکنولوژی و همچنین سازمان‌های تولید اثر می‌گذارند. این نهادها نه تنها بر عملکرد اقتصادی، بلکه بر نحوه توزیع درآمد نیز تأثیر می‌گذارند. آن‌ها در خصوص نحوه شکل‌گیری نهادها به این مسئله اشاره می‌کنند که گرچه تاریخ و حتی شانس در این میان مؤثر بودند، اما نهادها حاصل انتخاب جمعی جامعه هستند (طیب نیا و نیکونسبتی، ۱۳۹۲).

این مهم که راز توسعه یافتنی جوامع پیشرفه را آشکار می‌کند، از طریق ایجاد و توسعه ظرفیت‌های جامعه با تمرکز بر توسعه ظرفیت حداکثری سرمایه انسانی در بستر نهادهای توسعه‌ای حاصل می‌شود. نکته مهم‌تر اینکه بر اساس نظر اندیشمندان فوق‌الذکر، توان کشورهای در حال توسعه به واسطه ظرفیت عظیم سرمایه انسانی جوان و تحصیل کرده (و بامهارت)، به مراتب فرون‌تر نیز خواهد گردید مشروط به اینکه توسعه ظرفیت در بستر نهادهای توسعه‌ای، حداکثر کارایی را به همراه داشته باشد (طیب نیا و نیکونسبتی، ۱۳۹۲).

با رویکرد توسعه ظرفیت حداکثری در بستر نهادهای توسعه‌ای به منظور تأمین آئینه آینده سازان کشور، از طریق ارتباط و همسویی ۳ جریان اصلی به شرح زیر، یک شاهرگ حیات‌بخش ایجاد می‌گردد:

۱. انباست سرمایه انسانی: تبلور وجوه بالقوه انسانی در پرتو آرامش ذهنی و فکری، منجر به تحولات عظیمی می‌شود که در ادبیات اقتصادی از آن به عنوان توسعه پایدار و همه‌جانبه یاد می‌شود و این فقط در پناه نهاد توسعه‌ای مانند بیمه زندگی، تحقق می‌یابد. بنابراین رابطه درهم‌تنیده‌ای بین رشد و همافزاگی سرمایه انسانی با تحکیم بنیان‌های نهاد بیمه ایجاد می‌گردد.
۲. انباست سرمایه مالی: انتقال ترجیحات مصرفي به جریان پس‌انداز آتی و سرمایه‌گذاری حال و آینده و ایجاد یک مجموعه پویا و پایدار تأمین مالی به منظور سرمایه‌گذاری در حوزه‌های زیرساختی میان‌مدت و نیز حوزه‌های خاص نسل‌های مختلف.
۳. توسعه نهاد بیمه: رشد جریان بیمه‌های زندگی به عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین بخش صنعت بیمه در دنیا و تأثیرات متعدد آن

این نکته مهمی است که بسیاری از عوامل اثرگذار، منبع از نوعی ترتیبات نهادی هستند که ترجیحات و ترکیبات متنوعی از تأثیرات را به دنبال دارند که شامل طیف گسترده‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی، ارزشی، حقوقی و ... می‌باشند. بنابراین هریک از جریان‌های ۳ گانه و البته شاهرگ ایجاد شده فوق‌الذکر، دارای آثار چندوجهی و میان‌رشته‌ای می‌باشند که آثار و برکات متعدد مادی و معنوی را در بر خواهند داشت.

۴. توجه به نهادها در تبیین فرآیندهای توسعه

توجه به سرمایه اجتماعی، زمینه خوبی بود تا جهت‌گیری به سوی اثر ارزش‌ها، هنجارها و سایر عوامل غیراقتصادی بر عملکرد اقتصادی جلب شود. از سوی دیگر، انتشار کتاب داگلاس نورث^۱، برنده جایزه نوبل و پیشو از نهادگرایان جدید، با عنوان نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی در سال ۱۹۹۰، گام مهمی در جهت بررسی تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی بود. همگام با این تحول، اعطای جایزه نوبل در سال ۱۹۹۲ به رونالد کوز و در سال ۱۹۹۳ به داگلاس نورث سبب شد، توجه بیش از پیش به اثر نهادها بر رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی جلب شود. در هزاره سوم شمار فرایندهای از اندیشمندان از جمله باردھان^۲ (۱۹۸۹)، رودریک^۳ (۱۹۹۹)، آسم اوغلو و همکاران^۴ (۲۰۰۱) ایسترلی^۵ (۲۰۰۶)، گریف^۶ (۲۰۰۶)، آلگان و کاهوک^۷ (۲۰۰۷)، فرونی و همکاران^۸ (۲۰۰۸)، شرلی^۹ (۲۰۰۸) و نورث^{۱۰} و همکاران (۲۰۰۹) برای تبیین علل رشد و توسعه اقتصادی کشورها به عملکرد نهادهای اجتماعی این کشورها توجه می‌کنند. وجود جامعه نسبتاً منسجم، اعتماد و همکاری‌های اجتماعی، نهادهای اجتماعی کاهش‌دهنده ریسک و اداره‌کننده تقابل‌های اجتماعی و مواردی از این قبیل همگی ترتیباتی اجتماعی هستند که اقتصاددانان معمولاً آن‌ها را داده شده فرض می‌کنند، در حالی که فقدان آن‌ها در کشورهای در حال توسعه کاملاً آشکار است. در نتیجه در شرایط فقدان انسجام اجتماعی و نهادهای مناسب در این کشورها، برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی نتایج مطلوبی به بار نمی‌آورند. از این رو، رویکرد نهادی بر اساس فرآیند شکل‌گیری واقعیت نتیجه می‌گیرد که برای تغییر واقعیت توسعه‌نیافتنگی، تحلیل باید از سطح جامعه آغاز گردد و به بررسی تأثیر متقابل ترتیبات اجتماعی، نهادها و تأثیرشان بر عملکرد اقتصادی پردازد (متولی و همکاران ۱۳۸۷).

-
1. Douglass North
 2. Bardhan
 3. Rodrik
 4. Acemoglu, Johnson, Robinson
 5. Easterly
 6. Grief
 7. Algan and Cahuc
 8. Ferroni et al.
 9. Shirley
 10. North et al.

در نهايَت باید به اين نکته مهم اشاره نمود که: بی شک فرآيند توسعه بدون همياري و همراهی مردم عقيم می ماند. اين يك اصل پذيرفه شده نزد صاحب نظران و نظریه پردازان امر توسعه است که بر اساس جميع شواهد تجربی اثبات شده است. هر گونه برنامه ريزی توسعه بدون در نظر گرفتن ملاحظات انساني و گستره مردمی آن، ضد توسعه و مخرب خواهد بود. به عبارت بهتر شرط لازم برای تحقق اهداف توسعه ای رضایت مردم از برنامه ها و نحوه اجرای آن است به طوری که تکيه صرف به شاخص های کمی و مجرد از شاخص های کيفی رضایت مندی قاطبه عموم، عملاً برنامه ريزی و تحليل های مربوطه را مخدوش و فاقد واقع یين های اساسی خواهد كرد.

علاوه بر اين، در دهه های اخير سياست های عدالت گرا به طور شاخصی بر سياست های رشد گرا، بخصوص در کشورهای در حال توسعه که حجم عظیمی از مردم را افراد کم درآمد تشکیل می دهند، ترجیح يافته است. مهم ترین دلیل آن شکاف درآمدی، ایجاد فقر گسترده و بیکاری است که مشکلات فرهنگی - سیاسی را نیز ایجاد کرده است.

۵. نقش نهاد حاكميت در توسعه ييمه های زندگی

مسئله تغيير اجتماعی، اقتصادي و سیاسي، از بزرگ ترین چالش های همه اندیشمندان و سیاستمداران دلسوز بوده است. تمام پيشگامان و رهبران موفق سیاسي راهبرد «تغيير» را اولويت ذهنی و کاري خود قرار داده اند. برای تغيير باید انواع ساختارها، سازمانها، نهادها و ترتيبات نهادی موجود را بشناسیم و بعد با داشتن جايگزين های مولد و مناسب شروع به حرکت کنيم. روشي که مثلاً چيني ها شروع کردن يكى از اين راهها است. آنها با خصوصی سازی شروع نکردن بلکه بر اساس اصول و قواعد حاكم بر بازارهای بین المللی و ويژگی های فرهنگی، سیاسي، اجتماعی و اقتصادي خود ساختارهای جدیدی ایجاد کردن، اين ساختارها و سازمانهای جدید آنقدر رشد و توسعه پيدا کرد که ساختار و سازمان های قبلی را کاملاً تغيير داد و نهادها و ترتيبات تحول يافته منظم و هدفمند جدیدی را پايه گذاري کرد.

مكتب نهاد گرای قدیم (کامونز، ۱۹۳۴)، مطرح می کند، اگر قوانین و مقررات ریشه در نیازها، فرهنگ و ارزش های نهادینه شده مردم نداشته باشد، در عمل فاقد ضمانت لازم اجرایی خواهد بود.

به عبارت دیگر باید قوانین و مقررات ترغیب کننده^۱ باشد. کار دولت این است که منافع بخش خصوصی را با منافع عمومی سازگار کند. پس ریشه قوانین و مقررات باید از خود آنها یی گرفته شود که عامل اند نه کسی که در آن حیطه و حوزه تخصصی، دانش عملی ندارد. این همان توسعه نهادهای فراگیر اجتماعی و اقتصادی برای دستیابی به حداکثر منافع مشترک ملی و البته درونزا است.

۵-۱. ضرورت توجه به رویکردهای بدیل در سیاست‌گذاری

رویکردهای بدیل یا همان هترودوکس، مجموعه‌ای از پارادایم‌ها^۲ هستند که فرض، نظریه‌ها و به تبع آن توصیه‌های سیاستی متفاوتی با پارادایم کلاسیک دارند. این پارادایم‌ها طیف وسیعی را شامل می‌شوند که در سال‌های اخیر مورد توجه بیشتر نهادهای علمی و حتی سیاست‌گذاری جهانی مانند بانک جهانی قرار گرفته‌اند. شاهد این مسئله نیز در زمینه علمی گسترش رویکردهای بدیل در بسیاری از دانشگاه‌های مطرح جهان و همچنین اعطای جوایز متعدد نوبل در سال‌های اخیر به اندیشمندانی است که در زمینه‌هایی مانند اقتصاد نهادی، اقتصاد آزمایشگاهی و اقتصاد رفتاری مشغول به تحقیق و پژوهش هستند. در عرصه سیاست‌گذاری نیز مجموعه رویکردهای رویکردی اخیر بانک جهانی و سایر مراکز بین‌المللی که بر اهمیت توجه به نهادها برای سیاست‌گذاری تأکید می‌کنند شاهدی بر این مدعای است. اما ضرورت توجه به رویکردهای بدیل برای سیاست‌گذاری چیست؟ این مسئله‌ای است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

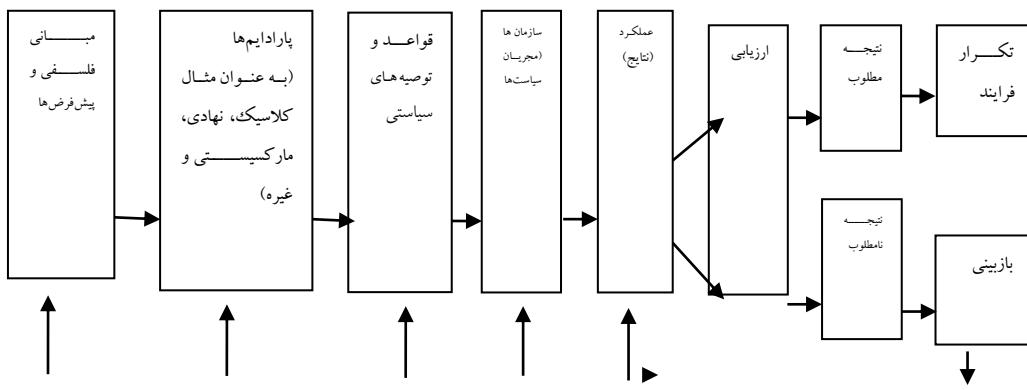
۵-۲. از نظریه‌ها تا نتایج سیاست‌ها

برای درک بهتر لزوم توجه به رویکردهای بدیل در زمینه سیاست‌گذاری لازم است ابتدا نگاهی به ارتباط میان نظریه‌ها، سیاست‌ها و نتایج بیندازیم. برای درک بهتر این مسئله مجموعه این فرایند را به شکل ذیل نمایش می‌دهیم.

1. Persuasive

۲. منظور از پارادایم، مجموعه‌ای از مفروضات کلی نظری و قوانین و فنون کاربرد آن‌ها است که اعضای یک جامعه علمی خاص خاص آن را پذیرفته‌اند و برای بررسی مسائل مختلف بر اساس آن عمل می‌کنند

نمودار ارتباط میان نظریه ها، سياست ها و نتایج آنها



در تبيين نمودار فوق باید گفت هر نظریه پردازي بر مبنای مجموعه اي از پيش فرض ها استوار است به عنوان مثال اعتقاد به وجود قانون طبیعی اساس اندیشه بسیاري از نظریه های کلاسيك در علوم انساني را تشکيل می دهد يا اعتقاد به تکامل دیالكتيکي اساس نظریه مارکسيستی است. فوكو اين بخش از نظریه ها را به خوبی تشرح می نماید:

آنچه من در پی انجام دادنش هستم آشکار ساختن ناخودآگاه مطلق دانایی است، سطحی که از آگاهی دانشمند می گریزد اما بخشی از گفتمان علمی است. آنچه نقطه مشترک تاریخ طبیعی، اقتصاد و دستور کلاسيك است به راستی در آگاهی دانشمندان آن دوره حضور ندارد اما طبیعی دانها، اقتصاددانها و علمای علم دستور زبان قواعدی را که از آن آگاهی ندارند به کار می گيرند تا حیطه مورد نظر خویش را تعريف کنند، مفاهیم خویش را شکل بخشنده و نظریه های خویش را بسازند و همین قواعد تشکيل است که گرچه في الواقع تدوين نمي شود اما بنیان نظریه ها، مفاهیم و موضوعات مورد بحث و مطالعه متفاوتند (فوکو، ۱۹۷۰، xi).

مباني فلسفی، اساس شکل گيري پارادایم ها هستند و در واقع، هر پارادایمی با توجه به مبني فلسفی خود به تبيين مسائل گوناگون می پردازد. منظور ما از پارادایم نيز در اينجا همان مفهوم مورد نظر کوهن است. بر اين اساس پارادایم را مجموعه اي از مفروضات کلي نظری و قوانین و فنون کاربرد آنها در نظر می گيريم که اعضای يك جامعه علمی خاص آن را پذيرفته اند. به عنوان مثال، اقتصاد کلاسيك يك پارادایم است که اقتصادنان کلاسيك با توجه به پيش فرض هایي مانند وجود قانون طبیعی و سودمندی رقابت، آن را طراحی كردن. دانشمندانی که به اين پارادایم معتقد

هستند، با توجه به نظریه‌های آن به تبیین مسائل می‌پردازنند. مثلاً دانشمندان کلاسیک، کنندی رشد اقتصادی را با دلایلی مانند ناکافی بودن سرمایه‌گذاری، فقدان رقابت، موانع تجاری و مانند آن تبیین می‌کنند.

این پارادایم‌ها مبنایی برای سیاست‌گذاری است و در مرحله بعد، اندیشمندان و سیاست‌گذاران با توجه به این پارادایم‌ها، قواعد و قوانینی را پایه‌گذاری می‌کنند که توصیه‌ها و تجویزهای سیاستی از آن‌ها اخذ می‌گردد. در واقع، اگر سیاست‌گذاری را طبق تعریف عمومی آن تلاشی به منظور رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب تعریف کنیم، نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که هر نوع سیاست‌گذاری و توصیه‌های سیاستی بر اساس آموزه‌هایی مشخصی انجام می‌شود که اندیشمندان آن حوزه به آن‌ها باور دارند.

اجرای سیاست‌ها عمدتاً بر عهده مجموعه‌ای از افراد و سازمان‌ها است که بازوی اجرایی سیاست‌گذاران محسوب می‌شوند. داگلاس نورث برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۳، تعریف بسیار جالبی از سازمان‌ها ارائه می‌کند. به اعتقاد وی سازمان‌ها از مجموعه‌ای از افراد تشکیل یافته‌اند که حول هدف مشترکی برای رسیدن به اهداف معینی متحده شده‌اند.

اما نکته مهم دیگری که وی یادآور می‌شود این است که سازمان‌ها از مجموعه‌ای از افراد تشکیل یافته‌اند که حول هدف مشترکی برای رسیدن به اهداف معینی متحده شده‌اند در واقع، اعتقاد به هدف مشترک، عنصر بسیار مهمی در سازمان‌ها محسوب می‌شود. اینکه مجریان یک سیاست خود به برنامه‌ای که در صدد اجرای آن هستند، اعتقاد داشته باشند نکته بسیار مهمی است.

حاصل این فرآیند، نتایجی است که به طور عینی در جامعه بروز می‌یابد. این نتایج یا مطلوب هستند که در نتیجه به عنوان مشوّقی به منظور ادامه روند کنونی عمل می‌کنند یا نامطلوب هستند که باعث بازبینی در مراحل فوق می‌شوند. البته این بازبینی سطوح مختلفی را شامل می‌شود که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

آنچه بیان شد، شرح مختصری از مراحلی است که از نظریه‌پردازی تا سیاست‌گذاری وجود دارد. اما سؤال اساسی که وجود دارد، این است که اگر یک در جامعه مشکلی وجود داشته باشد، چه باید کرد؟ به عنوان مثال، اگر تورم، اشتغال و غیره سال‌ها مشکل اساسی کشور باشد و با وجود سیاست‌گذاری‌های مختلف حل نشده باشد چه باید کرد؟

آنچه معمولاً در اقتصاد مرسوم مورد توجه قرار می‌گيرد، توجه به قواعد و توصيه‌های سياستي يا نحوه اجرای آن توسط مجريان يا همان سازمانها است. به عنوان مثال، با شکست در سياست‌های افزایش نرخ رشد اقتصادي، در درجه اول خود سياست‌ها يا عملکرد بد سازمانها به عنوان مجريان سياست‌ها مورد سؤال قرار می‌گيرد و در موارد اندکي، به بازيبياني در قواعد و قوانين (قواعد بازى) توجه می‌شود. عموماً كمتر پيش می‌آيد که پارادايم‌ها مورد سؤال قرار گيرند.

اما واقعيت آن است که مشكلات هميشه به اين شيوه قابل حل نیست و در مواردي ضروري است که پارادايم‌ها هم مورد بررسی مجدد قرار گيرند.

برای درک بهتر مطالب فوق توجه به يکي از مهم‌ترین رويدادهای تاريخ علم مفيد به نظر می‌رسد. انديشمندان قرون وسطی برای توضیح حرکت اجرام آسمانی از پارادايم ارسطوي و بطليوسی استفاده می‌نمودند. بر اين اساس زمين در مرکز عالم قرار داشت و سایر اجرام آسمانی دور آن می‌گشتند. اما کپرينيك در قرن شانزدهم اين پارادايم را مورد انتقاد قرارداد و پارادايم جديدي مطرح نمود که شامل فروض و نظريه‌های متفاوتی بود. بر اين اساس خورشيد در مرکز منظومه شمسی قرار گرفت و مجموعه‌ای از تلاش‌های علمی جهت تبيين حرکت سيارات و کرات دیگر آغاز شد (چالمرز، ۱۳۷۹، ۸۵-۸۶). در واقع در اين دو پارادايم به مسائل متفاوتی توجه می‌شد و نظريه‌های متفاوتی جهت تبيين مسائل مورد توجه قرار می‌گرفت. نكته مهم آن است که با ارائه پارادايم کپرينيكی بسياري از مسائلی که در پارادايم ارسطوي غيرقابل حل بود يا به آن توجه نمی‌شد، حل شد.

لزوم توجه به رويدادهای بدیل نیز به مانند همین تغيير پارادايمی در نجوم است. تازمانی که در نجوم بر اساس پارادايم ارسطوي نظریه پردازی می‌شد بسياري از مسائل غير قابل تبيين بودند. در مباحث توسعه نیز اين مسئله وجود دارد. در واقع در پارادايم نئوكلاسيك به بسياري از مسائل مانند نقش فرنگ، ارزش‌ها، وضعیت خاص سیاسي، اقتصادي و اجتماعی کشورها بی‌توجهی و یا کم‌توجهی می‌شود. اين مسئله باعث می‌شود بسياري از مشكلات لainحل باقی بمانند.

نمونه بارز اين توجه را می‌توان در ارزیابی‌ای که توسط بانک جهانی با عنوان «رشد اقتصادي در دهه ۹۰: يادگرفن از يك دهه اصلاح» منتشر شده است مشاهده کرد که بيان می‌دارد: (احراری، متولسلی و نیکونسبتی، ۱۳۹۶).

پیام اصلی این گزارش این است که هیچ مجموعه جهانی یکسانی از قواعد وجود ندارد که رشد اقتصادی پایدار را ایجاد نماید. رشد پایدار بستگی به عوامل مهمی دارد که لازم است در طول زمان به آن دست یافت از جمله انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی، کارآمدی در تخصیص منابع، به روز شدن تکنولوژی و تقسیم منافع رشد. هر کدام از این موارد در هر زمانی بسیار مهم است. بنابراین ما به سیاست‌هایی نیاز داریم که به این موارد توجه کند و نهادهایی برای دستیابی به این موارد باید خلق شوند، در نتیجه متغیرهایی که باید به آن توجه شود بسته به شرایط اولیه و میراث تاریخی متفاوت خواهد بود. بنابراین لازم است که ما فرمول‌بندی و جستجو برای بهترین عمل را که گمراه‌کننده هستند کنار بگذاریم و بر تحلیل عمیق اقتصاد به منظور شناسایی موانع رشد مرکز نماییم. انتخاب سیاست‌های مشخص و اصلاح نهادی باید در این توصیه‌ها لحاظ شود (گزارش بانک جهانی: رشد اقتصادی در دهه ۹۰: یادگرفتن از یک دهه اصلاح، ۲۰۰۵، xiii).

بنابراین تغییر نگرش در تبیین جایگاه و نقش نهاد حاکمیت در فرآیندهای توسعه برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های بالقوه رشد و گسترش بیمه‌های زندگی امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

۳-۵. وجود توسعه‌ای اقتصادهای نوظهور

همچنان که عنوان شد آثار بی‌بدیل و تعیین‌کننده بازارهای نوظهور در تحولات اقتصادهای داخلی، منطقه‌ای و جهانی، نقش سیاست‌گذاری نهاد حاکمیت را هم در کشورهای نوظهور و هم در کشورهایی که در حال پیوستن به باشگاه نوظهورها می‌باشند، به طور قابل توجهی افزایش داده است. نکته مهم اینکه در مراحل رشد اولیه و ورود به این باشگاه، نقش حمایتی، هدایتی و حاکمیتی دولتها بسیار پررنگ و تأثیرگذار است به طوری که مباحث نظری مداخله دولت در بازار از مکانیسم‌های پارادایم اصلی عبور کرده و تقریب واقعی‌تری را با شرایط و روندهای تکاملی بازارهای نوظهور ایجاد نموده که به یک نمونه آن در حوزه مورد بحث یعنی بیمه‌های زندگی اشاره شد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

توافق نظری پارادایم‌های مختلف در توسعه بیمه‌های زندگی همراه با تجربه‌های پیشین کشورهای پیشرفته و جریان قدرتمند و پیشرو باشگاه نوظهورها در دنیای امروز، اهمیت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری خاص برای تحول در بیمه‌های زندگی که توسط نهاد دولت هدایت، حمایت و

راهبری گردد، فراتر از نقش حال حاضر نهاد حاکمیت را می طلبد. پر واضح است که تحول چشمگیر در صنعت بیمه به واسطه رشد و گسترش معنادار بیمه های زندگی رخ خواهد داد و این اصل بنیادی نگرش تحول گرا در صنعت است که بدون آن، اساساً تحول یک دیدگاه انتزاعی خواهد بود. بررسی ظرفیت های علمی، دانش حرفه ای و تجربه فرآیندهای قانون گذاری، نظارت، تنظیم بازار و از همه مهم تر توان کارشناسی و ظرفیت بالای سرمایه انسانی موجود در صنعت (بیمه مرکزی، شرکت های بیمه، سندیکای بیمه گران و ...)، نهادهای زیرساختی توسعه و تحول نظام بیمه کشور خواهند بود. سیاست گذاری های معطوف به تحول مذکور که از حمایت همه جانبه حاکمیت (دولت، مجلس و ...) بهره مند می شود، نه تنها از ظرفیت مؤثر سرمایه انسانی صنعت که بیان نرم افزاری تحول بزرگ می باشند بهره برداری حداکثری می گردد، بلکه سرمایه عظیمی برای انتقال دانش به نسل جوان حال (در حال ورود) و آینده صنعت بیمه نیز خواهند بود.

از دیگر آثار مهم تغییر نگرش به توسعه بیمه های زندگی، می توان به همسویی و هما فزایی منافع نهاد حاکمیت، شرکت های بیمه و سایر بازیگران بازار بیمه اشاره کرد. این مسئله از ۲ منظر قابل تحلیل است. اول اینکه تشديد مخاطرات اخلاقی در حوزه فروش شرکت های بیمه ای (و کارگزاران بیمه ای) ناشی از ایجاد یک فضای رقابتی سرسرخانه (اقیانوس قزمز)، بازار ناسالمی را در مجموعه صنعت بیمه و جامعه هدف ایجاد کرده که نتایج آن: رقابت در فضاهای محدود، نرخ شکنی (دامپینگ)، عدم تقارن تعریف ها، کاهش کمی و کیفی خدمات اصلی و ارائه خدمات غیراستاندارد و غیر حرفه ای و موارد دیگری که علاوه بر تحمیل بار مضاعف تعدد و پیچیدگی های تخلفات به نهاد ناظر بعضاً آثار مخرب اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در کوتاه مدت و بلند مدت برای صنعت، اقتصاد و جامعه در بر داشته است. دلیل اصلی مشکل مذکور محدود (و بسته) بودن فضای مبادلات بیمه ای در سطح سازمان ها و نهادهای عمده ای دولتی و شبکه دولتی و از آن مهم تر ظرفیت گستردگی خالی و بکر (اقیانوس آبی) بیمه های زندگی در کشور است که جامعه هدف آن کلیه آحاد مردم است.

دوم اینکه بر پایه تحلیل های نظری، تضاد منافع نهادهای مذکور که ریشه در فلسفه وجودی و وظایف ذاتی آن ها دارد^۱ در مسیر همگرایی و همسویی خواست ها و نیازهای متناسب و متنوع به

۱. نهاد حاکمیت به دنبال حداکثر کردن منافع عمومی و شرکت های بیمه و سایر بازیگران در صدد حداکثر نمودن منافع خود (سود و درآمد) می باشند.

سمت ایجاد و تحکیم بنیان‌های منافع مشترک قرار می‌گیرد که این حاصل تغییر تعاملات و مبادلات وابسته به خواسته‌های فردی به کنش‌های جمعی^۱ ناشی از تفکر توسعه‌ای مبتنی بر نگرش تحول‌گرا است.

به منظور تبیین واقعی و منطبق بر گزارش‌های تحلیلی- علمی، از گزارش PWC استفاده شده که علاوه بر بهره‌مندی محققان و پژوهشگران، مبنای منطقی و علمی برای تعیین راهبردها، اهداف، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در بسیاری از کشورهای نوظهور و در حال توسعه قرار گرفته است. بر اساس تحلیل‌های مستخرج از یافته‌های تحقیق، یک جمع‌بندی کلی از مباحث مطروحه که پیشنهاد اصلی تحقیق را نیز در بر دارد به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱. بازارهای نوظهور از اهمیت فوق العاده‌ای در اقتصاد حال و بهویژه آینده جهان برخوردارند چراکه از یک سو موتوور پیشران اقتصاد دنیا و از سوی دیگر تعیین‌کننده مسیر رشد بلندمدت نوظهورها و در حال نوظهور شدن‌ها هستند که برنامه‌ها و سیاست‌های تحقق قرار گرفتن در این مسیر را مشخص نموده‌اند.
۲. مهم‌ترین دلالت تجربه توسعه چشمگیر صنعت بیمه چین که بر پایه رشد معنادار بیمه‌های زندگی شتاب گرفته، باور نظری و عملی به رشد فراگیر بیمه زندگی به عنوان زیرساخت توسعه ساختاری و بنیادی صنعت بیمه بوده که از طریق حمایت هدفمند و نظاممند دولت و نهاد حاکمیت و مشارکت صنعت بیمه منجر به تحول بالنده و پایدار گردیده است.
۳. شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین اهداف توسعه معنادار بیمه زندگی در چین، وجود تأمین مالی بیمه زندگی است که بهویژه در مراحل اولیه رشد، بهویژه رشد بخش حقیقی اقتصاد نقش برجسته و اولویت‌داری را به عهده دارد. این مهم برای شرایط حال اقتصاد کشورمان موضوعیت داشته و قابل انطباق است.
۴. ایران نیز در حال ورود به باشگاه نوظهورها است و لاجرم می‌بایست الزامات و شرایط حضور و تداوم مسیر بلندمدت این باشگاه را برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نماید.
۵. نهادهای زیرساختی توسعه‌ای برای ایجاد یک تغییر معنی‌دار در حوزه بیمه‌های زندگی وجود دارد.

1. Conflict of Self-interests →Collective Actions

۶. نهاد حاكميت برای نيل به يك تحول بنويادي، نياز به تغيير نگرش در نقش و جايگاه خود دارد.
۷. بر اساس تجربه چين و با ايجاد شرایط و ساختار مناسب، نظام ييمه کشور می تواند بر مبنای توسعه فراگير ييمه زندگی، بخش حقيقی اقتصاد را از طريق تأمین مالي سرمایه های ييمه زندگی به بازار سرمایه مرتبط نمود و جريان سرمایه گذاري های هدفمند و نظاممندی را برای هم افزایي سه بخش توسعه ای اقتصاد کشور؛ ييمه، بورس و بخش حقيقی اقتصاد ساماندهی کرد.
۸. برنامه و سياست های تحول گرا باید بر مبنای نگرش توسعه ای و تجارب نوظهورها طراحی و عمليلاتي گردد.

منابع

- احراری، متولی و نیکونسبتی، علی (۱۳۹۶)، لزوم توجه به رویکردهای بدیل و میانرشته‌ای در فرآیند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اقتصاد مقاومتی، مجله راهبرد توسعه، (در حال بررسی)
- زیری، ه، متولی، م، احراری، م (۱۳۹۵)، آثار توسعه‌ای بیمه زندگی از منظر انسجام اجتماعی، فصلنامه پژوهشنامه بیمه، سال سی‌ام، شماره ۱، مسلسل ۱۲۰، بهار ۱۳۹۵، ۱-۳۳.
- طیب نیا، علی. نیکونسبتی، علی. (۱۳۹۲)، نهادها و رشد اقتصادی، فصلنامه برنامه‌وپروژه، سال ۱۸، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲، ۱۰۹-۱۳۲.
- کاردگر، ا. احراری، م. (۱۳۹۳)، تأثیر بیمه زندگی بر تولید ملی مبتنی بر رویکرد توسعه انسانی، فصلنامه پژوهشنامه بیمه، سال ۲۹، شماره ۲، شماره مسلسل ۱۱۴، تابستان ۱۳۹۳، ۱۳۷-۱۶۲.
- متولی، محمود، نیکونسبتی، علی و بیات، مجتبی (۱۳۸۹). توسعه انسانی به مثابه فرآیندهای درهم‌تنیده، مجله توسعه روزتایی، دوره اول، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- متولی، م. جلالی نائینی، سغ. نورعلیزاده، ح. میرزاچی پری، ی. (۱۳۹۰). تحلیل نهادی بازار بیمه زندگی کشور: با استفاده از مدل چهار سطحی ویلیامسون، پژوهشنامه بیمه، سال ۲۶، شماره ۳، پیاپی ۱۰۳، ۵۱-۷۷.
- متولی، محمود. (۱۳۸۷). توسعه اقتصادی (مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی)، تهران، انتشارات سمت.
- متولی، محمود، نیکونسبتی، علی و فرضی زاده (۱۳۸۹). اقتصاد نهادی، انتشارات دانشگاه تهران.
- مهدوی کلیشمی، غ (۱۳۸۸). تقاضای بیمه عمر تصادفی: کاربردی از اقتصاد در شرایط عدم اطمینان، تحقیقات اقتصادی، ۸۸
- مهدوی کلیشمی، غدیر (۱۳۸۸). بررسی عوامل کمی و کیفی مؤثر بر تقاضای بیمه عمر و راهکارهای توسعه و گسترش نفوذ آن در صنعت بیمه کشور، تهران: پژوهشکده بیمه.
- Zhang,C. Zhu, N.2005. Determinants of the development of insurance In china under the globalization.

- Global insurance trends analysis 2016, An industry braving uncertain times May 2017, EY.
- Insurance Market Outlook, Munich Re Economic Research, May 2016.
- KPMG, 2018.
- Swiss Re, Sigma No 3/2017.
- Swiss Re, Sigma No 3/2019.
- The Long View, How will the global economic order change by 2050? PWC, February 2017.
- Global insurance trends analysis 2016, An industry braving uncertain times May 2017, EY.